



صلح نوبل که الکی نیست

در پی تلاش‌های بشردوستانه حکومت میانمار در قبال اقلیت مسلمانان روهینگیا، متأسفانه خبرگزاری‌های مغرض، این حرکات را به گونه‌ای دیگر بازتاب دادند که موجب سوءتفاهم‌هایی برای جهانیان و همچنین زدن تهمت‌های بی‌شرمانه به این حکومت شد. لذا برآن شدیم در این نوشته، تهمت‌ها را برشمرده، حقیقت را آشکار کرده و سوءتفاهم‌ها را برطرف کنیم.

محمدامین میمندیان

را قتل عام می‌کنند و حتی فیلم و تصاویر بیشمار می‌هم فتوشاپ کرده‌اند. این دیگر منتهی الیه تهمت است. اولاً آن فیلم‌ها همه‌اش مربوط به مراسم مرده‌سوزی بوداییان است. در طی مراسم تعدادی از روهینگایی‌ها برای تماشا آمده بودند که آتش به پر و بالشان گرفت و بوداییان سعی کردند با بیل و چماق و تفنگ و مشت و لگد خاموش‌شان کنند که افق زاویه بدن‌شان

طوری بوده که انگار دارند می‌زنند و می‌کشند و می‌سوزانند. دوماً یک کم عقلمان را به کار بیاندازید. اصلاً مگر می‌شود وقتی دالایی‌لما، رهبر بوداییان و آنگ سوچی، رئیس دولت میانمار، جایزه صلح نوبل را گرفته‌اند، چنین کارهایی بکنند؟ ناسلامتی صلح نوبل است، الکی که نیست!



کامران باری

۱- **ندادن حق شهروندی**
چه چیزی بهتر از استقلال؟ بحتم فوتبالی نیست؛ پس نگویید پرسپولیس، مثلاً وضعیت بارسلون را نگاه کنید. ای بابا! گفتیم که فوتبالی نگاه نکنید. منظورم شهر بارسلون و ایالت کاتالونیا است که این همه سال است می‌خواهند شهروند اسپانیا نباشند ولی نمی‌توانند. حالا که میانمار از سال ۱۹۸۲ خودش آمده به ۴ درصد جمعیتش یعنی ۶ تا هشت میلیون مردم روهینگیا حق شهروندی نداده و خیلی تابلو می‌گوید بروید برای خودتان حال کنید، یک عده کاسه داغ‌تر از آتش شده‌اند. درضمن به جای کارت ملی شهروندی به آنها کارتی داده‌اند که آنان را «خارجی» معرفی می‌کند. شما را به خدا نگاه کنید چه کلاسی برایشان گذاشته‌اند! یعنی شما مثل توریست می‌مانید و اینجا مهمانید. مهمان هم که حبیب خداست و احترامش واجب. احسنت به این اخلاق حسنه!

حال یک عده خبرنگار خودفروخته، چو انداخته‌اند که روهینگایی‌ها حق کار، ازدواج، تحصیل، مسافرت، دسترسی به خدمات درمانی، انجام مناسک دینی و یک سری حقوق دیگر را ندارند. خودتان قضاوت کنید؛ وقتی دالایی‌لما و خانم سوچی نوبل صلح گرفته‌اند، اصلاً می‌شود همچین چیزی؟

۲- **مهاجرت اجباری**
گفته‌اند از ۲۰۱۲ تا کنون بیش از ۱۶۸۰۰۰ نفر روهینگایی از میانمار فرار کرده‌اند. اولاً فرار نبوده و مهاجرت بوده. چون خیلی شیک دست اهل و عیال را گرفتند و بقیه به دوش رفتند و اصلاً اعلامی از فرار و گریختن در تصاویر دیده نمی‌شود. دوماً بسیار سفر باید تا پخته شود خامی (این فقط ضرب‌المثل است و ربطی به خبر جعلی سوزاندن مسلمانان روهینگیا ندارد) سوما جای دوری که نرفتند؛ رفتند تا همین بنگلادش آب و هوایی عوض کنند و برمی‌گردند. وگرنه کدام آدم عاقلی کشوری امن را که دوتا از مسئولینش هم صلح نوبل دارند ولی می‌کند برود جایی که بویی از صلح نوبل نبرده‌اند؟!

۳- **نسل کشی**
مغرضین خبرپراکنی کرده‌اند که نظامیان و بوداییان میانمار، دارند مسلمانان روهینگیا



اگه مغز داری تقلب کن!

ناصر جوادی

با بچه‌ها مشغول «پالام پولوم پلیج» بودیم تا هرس تک آورد صاحب آخرین لقمه نیمروی ته تابه بشود که پدرام دانشجوی ترم ۱۱ حسابداری با ناراحتی وارد بوفه شد و یک راست آمد سر میز ما و دست‌هایی که برای پالام پولوم پلیج روی تابه نیمرو جمع شده بودند را کنار زد و گفت: من تک آوردم! و بعد چنان ته تابه را لقمه کشید که انگار با مایع ظرف شویی پرل شستش!

حمید دانشجوی رشته مدیریت بورس شاکی شد و داد زد: تو که پالام پولوم نکردی، بعدش هم تو اصلاً تو این نیمرو سهم نداشتی!

پدرام گفت: نمره امتحانم تک شده بابا، بازم ریاضی یک رو افتادم!

مسعود دانشجوی رشته پزشکی گفت: مسخرش رو در آوردی‌ها یه بار تقلب کن پاس شه بره دیگه!

پدرام زبانش را گاز گرفت و گفت: من اگه پنج بار این امتحان رو افتادم به خاطر عدم تمرکز، خنگ که نیستی تقلب کن!

مهدی دانشجوی خبرنگاری گفت: مگه خیرش رو نشنیدی که «افراد باهوش بیشتر سر امتحان تقلب می‌کنند»؟ مسعود گفت: معلومه که باهوش‌ها بیشتر تقلب میکنند، من خودم سر امتحان عملی در آوردن آیاندیس، هرچی گشتم آیاندیس بیمار رو پیدا نکردم طحالش رو در آوردم! اگه خنگ بودم و تقلب نمی‌کردم باید یه ترم دیگه می‌رفتم سر کلاس آیاندیس!

همه دست‌هایی که برای پالام پولوم پلیج روی میز آمده بودن شروع به تشویق مسعود کردند. هاشم آقا از پشت دخل به پدرام گفت: بچه‌ها راست میگن، اشتباه منو تکرار نکن، منم اگه یکم هوش داشتم و تو امتحانات تقلب می‌کردم الان استاد دانشگاه بودم نه مسئول بوفه!

ایرانی‌زه کردن فیلم تایتانیک

زهراجمالی

به مناسبت روز ملی سینما، بلیت سینماها به صورت نیم‌بها فروخته می‌شود. این تصمیم در هفته جاری توسط مسئولان و دست‌اندرکاران سینماگر کشورمان درحالی گرفته شد که همگان به خوبی بر این قضیه واقفند که این عزیزان کلاً غفلت در نگاهشان است و نه فیلم سینمایی که به روی پرده می‌برند. از طرفی مهندس ضرغامی رئیس اسبق صدا و سیما هم با طرح پیشنهادی مبنی بر پخش فیلم تایتانیک در داخل کشور طوری همه‌مان را شگفت زده کرد که تا چند روز تصور می‌شد ایشان بیشتر قصد شوخی و گرفتن ایستگاه سایرین را داشته‌اند تا ارائه یک پیشنهاد سازنده. در هر صورت ما هر دوی این‌ها (روز ملی سینما و پیشنهاد جناب ضرغامی) را به فال نیک گرفته و توصیه‌هایی را جهت ایرانی‌زه کردن فیلم موردنظر (تایتانیک) به منظور عبور از فیلترهای موجود و گرفتن جواز پخش

روش ابتکاری: تغییر لباس مارک بازیگر نقش اول مرد فیلم، با یک عدد زیرپوش چکر، با استفاده از هنر وزین فتوشاپ! شایان ذکر است که این روش تضمینی است و بخوبی در سینمای ایران امتحانش را پس داده است.



اعصاب نداریم

امین شفیعی

صف‌های کار ممتد، یا آزمون ارشد پیش‌من مجرد، اعصاب می‌گذارد؟ وقتی در اجتماعم، همواره در نزاعم در مخچه و نخاعم، اعصاب می‌گذارد؟ یا بازی زیروان در ایکس باکس اس وان در ذهن نوجوانان، اعصاب می‌گذارد؟ گرمای توی تاکسی، خط دفاع چلسی در کله چه‌شخصی، اعصاب می‌گذارد؟ وقتی که بار پنجم، پرونده می‌شود گم آخر برای مردم، اعصاب می‌گذارد؟ این میوه‌های درهم، هولوی مثل شلغم اصلاً برای آدم، اعصاب می‌گذارد؟

اجاق گاز، محرم هر راز

فروغ زال

تا به حال پایتان توی قیر داغ و آسفالت تازه خیابان فرو رفته؟ اگر دست‌تان را هم روی صفحه ما اجاق گازهای خوابگاه بگذارید، حتماً فرو می‌روید و زندگی را باخته‌اید! بیشتر از این عذاب‌تان ندهم؛ شعله‌هایم کور شوند اگر دروغ بگویم، همیقدرش را بداند که اگر بخت یار بود و شمعک‌هایم با خورار خورار چربی مسدود نشده باشند، چنان بویی از سوختن چربی‌های روی صفحه بلند می‌شود که انگار دنبه چند گوسفند بی‌نواکت حمام نرفته را داغ کرده‌اند. سوختن چربی‌ها تمام ماجرا نیست و بعد از آن نوبت می‌رسد به چند گونی عدس و سه بار شتر برنج و چند بسته ما کارونی که روی صفحه‌ام ریخته شده، برشته می‌شوند و حتی به جای آجیل برشته از آن‌ها ارتزاق می‌کنند. شعله‌هایم کور شوند اگر دروغ بگویم. من از هر کدام از اینها یک چیز سوخته‌ای سراغ دارم، از نمره و احضاریه کمیته انضباطی گرفته تا کمترینش که ته دیگ سوخته است؛ اما از آنجا که بسوزد پدر این رازدار بودنم حتی نمی‌توانم بگویم که بخاری و اتو و سشوار هم اینجا وظایف من را انجام داده‌اند. شعله‌هایم کور شوند اگر دروغ بگویم که شعله‌های من را با کبریت دوبار مصرف روشن می‌کنند. بار اول که خود کبریت روشن می‌شود و بار دوم هم با چوب نیم‌سوخته‌اش از یک شعله به شعله دیگر آتش می‌برند، به همین یک دانه شعله کورم قسم.



یک روز خوب ما خیلی سالمیم

فرشته موسوی

به کتابخانه می‌روم، جدیدترین کتابی که برای پروژه ام پیدا می‌کنم برمی‌گردد به سال ۱۷۰۰ میلادی؛ یعنی از آن موقع تا حالا کتاب جدیدی نوشته نشده؟! می‌روم سایت دانشکده، شاید چیزی پیدا کنم، اینترنت قطع است. البته مهم نیست الان کلاسی بعدی شروع می‌شود. استاد می‌آید، هنوز درس را شروع نکرده، نگاه تحقیرآمیزی می‌کند و می‌گوید شما که انقدر مرگ بسر آمریکا می‌گویید باید فلان عملیات روی قطعه‌تان را بفرستید زیر دست ملکه الیزابت تا انجام شود. ما که دانشجوییم، مگر نه اینکه خود ایشان و هم‌نسل‌هایشان باید تا حالا کاری می‌کردند، چرا سرکوفتش را به ما می‌زنند. برمیگردم خانه. تلویزیون را روشن می‌کنم؛ بیش از ۲۳٪ ایرانی‌ها دچار اختلالات روحی و روانی هستند. دارم گیج می‌شوم، ما که خیلی سالمیم.

ساعت زنگ می‌خورد، بازهم باید بروم دانشگاه. تلویزیون را روشن می‌کنم. مجری خیلی احساس بازمگی می‌کند، البته برنامه صبحگاهی نیست، برنامه تبلیغاتی یکی از کاندیداهاست، ولی نه؛ انتخابات که تمام شده، دارم گیج می‌شوم. تلویزیون را خاموش می‌کنم و راه می‌افتم. آدم صفت ناکسی، خطی‌ها یا غیرخطی‌ها دعوایشان شده، اعتصاب کردند و خط را بسته‌اند. پیاده می‌روم سمت دانشگاه، دیر به کلاسم رسیدم، نگران بودم، بیرون کلاس همه‌همه است، استاد پنج دقیقه تأخیر داشته و بچه‌ها می‌خواهند بیچند به بازی، یعنی کسی اینها را مجبور کرده بود بیایند دانشگاه که انقدر فراری‌اند. دارم گیج می‌شوم. با بچه‌ها می‌رویم تریای دانشگاه، یک تکه کیک با چای میشود ۲۴ هزار تومان، برمی‌گردم و از ابسرد کن آب می‌خورم.

دوبیت‌خبر

درحاشیه بازی ایران-سوریه

هرچند که تحریم شدن، جانکاه است ایمیل و فشارهای ما در راه است برجام اگر جر بخورد هم به درک! موضوع، ورود زن به ورزشگاه است

فهیمة انوری

از سازمان ملل به رئیس جمهور میانمار:

آدم نکشی وبا و سل می‌گیری
گر قلوه دهی به بنده دل می‌گیری
هر بیست مسلمان که کنی غرق به خون
یک جایزه صلح نوبل می‌گیری

امیر معظمی

روز سینما

از گیشه و آفت سینما غمگینیم
هم منتقد گریم و هم تدوینیم
با عشق به روز سینما، درخانه
یک فیلم جدید «های کپی» می‌بینیم

فهیمة انوری

بیانیه جمعی از متقلبین مقیم مرکز

تقلب جرم نیست...

محمد رضایی

۲- تمامی کسانی که با انواع تقلب مقابله می‌کنند باید در حضور اصحاب رسانه از ماعدرخواهی کنند. افرادی مانند مراقبین امتحانی، پلیس فتا، قضاتی که اختلاس گران و مفسدین اقتصادی را محاکمه کرده‌اند، ادمین کانالی که فیش‌های نجومی را منتشر کرد و...

۳- برای حمایت از حقوق متقلبین و جلوگیری از ظلم‌هایی که تا پیش از این بر ما رفته بود، باید مجوز تأسیس انجمن حمایت از متقلبین به ما اعطا شود و اعضای این انجمن در تمام امور مهم کشور دخالت داده شوند.

۴- در پایان خواستار ترویج این شعار هستیم: «تقلب جرم نیست، یک امتیاز است.»

اکنون که بعد از سال‌ها تهمت و آبروریزی، دانشمندان کشف کرده‌اند که ما متقلبین مجرم نیستیم، بلکه باهوشیم از همه مسئولین می‌خواهیم تا هرچه سریع‌تر خواسته‌های ما را محقق نمایند، بلکه کمی از درد‌های چند ساله ما درمان شود.

۱- در ابتدا باید تمام امتیازاتی که تحت عنوان تقلب از ما گرفته‌اند، پس داده شود. امتیازاتی همچون قبولی در امتحانات مدرسه، قبولی در کنکور، قبولی در امتحانات دانشگاه، به رسمیت شناختن مدرک‌های تحصیلی جعلی، پول‌های نجومی که از حلقوم نجومی خوران بیرون کشیده شد و...

